

«کرونا» و «منحنی دوم» زندگی ما

ویروس کرونا که آمد بسیاری از مناسبات و بنیان‌های زندگی آدمیان در سطح فردی و جمعی فرو ریخت و به عدالت! در سرتاسر عالم بی آن که فقیر یا غنی، کوچک یا بزرگ، رییس یا مرئوس را بشناسد همه را گرفتار کرد و با حبس کردن آدمیان در خانه‌هاشان به گونه‌ای رفتار کرد که به آنان نشان داد تنها دنیای امن دنیای مجازی است و بیش از گذشته آن‌ها را از دنیای واقعی به دنیای مجازی کشاند.

کرونا آموزش و پرورش را نیز از تاثیرات خود بی‌نصیب نگذاشت و با به تعطیلی کشاندن مدارس موجب تغییراتی اساسی در آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان از جمله کشورمان ایران شد، تغییراتی که انجامش قبلاً ناممکن به نظر می‌رسید یا اگر نگوییم ناممکن اما عملی کردنش به گذر سال‌ها نیاز داشت. یکی از این تغییرات، شکل‌گیری آموزش‌های از راه دور و به خصوص پررنگ شدن نقش دنیای مجازی در آموزش و به تبع آن کوچ دسته جمعی دانش‌آموزان و معلمان از کلاس‌های درس واقعی به دنیای مجازی بود. دنیایی که شاید تا قبل از کرونا آن‌چنان که باید در نظام‌های آموزشی به رسمیت شناخته نمی‌شد اکنون به اضطرار پذیرای کلاس‌های درس شد. اگرچه دانش‌آموزان این «بومیان دنیای دیجیتال» انس و آشنایی بیشتری با دنیای مجازی دارند، اما عموم معلمان متعلق به نسلی هستند که از آن‌ها به‌عنوان «مهاجرین دنیای دیجیتال» نام برده می‌شود و جالب این که این مهاجرین دیجیتال می‌بایست در شرایط بحرانی جدید مسئولیت این کوچ جمعی را به فضای مجازی بر عهده گیرد. معلمانی که بعضاً با این فضا ناآشنا و غریب می‌نمایند و حضورشان می‌تواند وقفه مضاعفی در آموزش ایجاد کند. اما هم‌چنان که در زمان وقوع بحران‌ها، تغییرات به آسانی مورد قبول واقع می‌شود و بشر همیشه در این‌گونه شرایط راهی برای برون رفت از آن‌ها می‌جوید معلمان نیز برای آن که حضور فعالانه و موثری را در این اوضاع کرونایی برای آموزش‌های راه دور خود داشته باشند به اجبار به دنبال کسب مهارت‌ها، دانش‌ها و آداب این‌گونه آموزش‌ها بر آمدند. این‌گونه بود که کرونا سنت آموزش و یادگیری را که پس از ده‌ها سال تغییر نکرده و به شیوه‌های معینی در حال انجام بود، به چالش کشید و برای آن بحران ساخت. این کرونا بود که ضرورت تغییر این روند را بر نظام‌های آموزشی تحمیل کرد و متصدیانش را مجبور کرد راهی نو را بیازمایند و بیاموزند و به تعبیر متفکر معاصر، «چارلز هندی» خواسته یا ناخواسته معلمان و مدارس در مسیر منحنی دوم قرار گرفتند و در قطار تغییرات آینده نگه داشته شدند. چارلز هندی در کتاب خواندنی‌اش، «منحنی دوم»، با ترسیم یک منحنی شبیه منحنی زیر مسیر پیدایش، رشد، بلوغ و افول مواردی مانند دولت‌ها، تمدن‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، نظام‌های آموزشی و افراد را تبیین می‌کند. او با این منحنی نشان می‌دهد برای جلوگیری از نابودی و افول در این مسیر و پیش از رسیدن به قله منحنی اول باید منحنی دوم را ترسیم کرد و بر روی آن حرکت کرد. مشکل واقعی آن است که این دگرگونی زمانی باید آغاز شود که منحنی اول هنوز در حال پیشروی است؛ یعنی آن‌ها که مسئولیت منحنی اول را برعهده داشته‌اند، باید تفکری متفاوت را درباره آینده آغاز کنند و فرصت بیشتری به دیگران بدهند تا راه را به سوی منحنی جدید بکشایند. چنین چیزی به آسانی روی نمی‌دهد. معمولاً همه می‌پرسیم وقتی همه چیز خوب است چرا تغییر؟ تغییر در زمان وقوع بحران آسان‌تر قابل پذیرش است، اما در آن زمان، با کمبود و اتمام منابع و زمان اجرای تغییر بسیار دشوارتر خواهد بود. این متفکر بزرگ معتقد است که برای حرکت به جلو در بسیاری از عرصه‌های زندگی گاهی لازم است به‌طور بنیادین تغییر کنیم؛ مسیر نوینی را برگزینیم که یکسره متفاوت از مسیر موجود باشد و این امر هم معمولاً نیازمند راه و روشی کاملاً جدید در نگاه به مسایل تکراری است. او باور رشد بی‌وقفه را به چالش می‌کشد و به ما پیام می‌دهد که پیش از رسیدن به اوج موفقیت، درست همان جایی که همه چیز خوب و درست پیش می‌رود، تغییر و دگرگونی، علایمی از خود بروز می‌دهد. اما شوق موفقیت و چارچوب‌های فکری ما اجازه نمی‌دهد که نشانه‌ها را جدی بگیریم. او به ما هشدار می‌دهد که پیش از رسیدن به نقطه بحران باید مسیر جدیدی را آغاز کرد و منحنی دوم را رقم زد.

بر این اساس این ایده درخشان اگر بحران ناشی از کرونا را در آموزش و پرورش تبیین کنیم این سوال برای‌مان پیش می‌آید که اگر می‌خواهیم با افول نظام آموزشی و سنت آموزش و یادگیری در مدارس مواجه نشویم آیا نباید از همین الان مسیر



منحنی دوم خود را ترسیم و در مسیر آن حرکت کنیم؟ آیا نباید در نقش خود در زندگی به‌عنوان معلم، مدیر، پدر، مادر و ... نیز در مورد هدف‌های خود و جامعه‌مان در آینده، بازاندیشی کنیم؟ این سوالات و بسیاری دیگر از این دست پرسش‌ها ما را وا می‌دارد که به‌جای آن که بخواهیم همه چیز به دوران پیش از کرونا برگردد و دوباره همان مسیر را بپیماییم، در یک تصمیم کبری گام در مسیر منحنی دوم خود بگذاریم!

حال شما بگویید برای ترسیم مسیر منحنی دوم زندگی، کلاس، مدرسه و معلمی خود چه اندیشیده‌اید؟!

«سیدحسین رضوی خوسفی»